

## ولایت حضرت علی علیه السلام در آیه ولایت

سید کریم حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده:

طبق نظر شیعه، آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده<sup>۲</sup> مقام ولایت را منحصرأً از آن خدا و پیامبرش و امام علی علیه السلام می‌داند و معتقد است که این آیه در شان علی علیه السلام نازل شده است. هنگامی که فقیری به مسجد النبی، آمد و از مسلمانان طلب کمک کرد و هیچ کس به فقیر کمک نکرد مگر حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام که در حال رکوع، انگشتی خود را به فقیر بخشید؛ بنابر این مراد از «الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون» علی علیه السلام است و لذا این آیه بر ولایت آن حضرت دلالت دارد.

لیکن علمای اهل سنت این تفسیر از آیه شریفه را قبول نداشته و هر یک به شکلی ایراداتی بر آن وارد کرده‌اند. در این نوشتار این اشکالات را مطرح شده و به آن پاسخ گفته شده است.

### کلید واژه‌ها:

ولایت حضرت علی علیه السلام، آیه ولایت، سوره مائده، ولی.

۱. دانش‌پژوه مقطع ارشد فلسفه و کلام اسلامی.

۲. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُم رَاكِعُونَ؛ وَ لِي شِمَا تَنهَا خُذَا وَ رَسُولُ أُو وَ كَسَانِيكِهِ إِيمَانٌ أَوْرَدَهُ أُنْدُ؛ هَمَانُ كَسَانِي كِهْ نَمَاز رَا بَر پَا مِي دَارَنْد وَ دَر حَال رُكُوع نَمَاز زَكَات مِي پَرْدَازَنْد، مِي بَاشَنْد.»

## مقدمه

تمسک به قرآن و روایاتی که در توضیح آیات مرتبط در کتب عامه نقل شده است، بهترین راه برای اثبات امامت امام علی علیه السلام برای ایشان است. در این راستا باید ببینید دلالت و مفاد آیه چیست و برای فهم مفاد و مدلول آیات، توجه به قرائن لفظیه و حالیه و روایاتی که شأن نزول، تفسیر، مصداق آیات را بیان می‌کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

در قرآن مجید آیات فراوانی داریم که به بیان و اثبات امامت حضرت علی علیه السلام و دیگر ائمه طاهرين علیهم السلام دلالت دارد و البته دلالت این آیات با توجه به احادیث بسیار زیاد (متواتر) است که از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در شأن نزول این آیات وارد شده است. احادیثی که مورد قبول شیعه و سنی است، ما در اینجا به یکی از آیات مهم که آیه ۵۵ سوره مائده می‌باشد، اشاره می‌کنیم.

انما وليکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یوتون الزکاه و هم راکعون؛ ولی و صاحب اختیار شما، تنها خدا و رسول و کسانی که ایمان آورده در حال رکوع زکات می‌دهند، هستند و آنان که در برابر خدا و رسول و مردم مؤمن، سر تسلیم فرود آوردند، بدانند که حزب خدا غالب است.

## بررسی مفردات آیه

### ۱. «انما»:

کلمه‌ای است که در زبان عربی برای نشان دادن انحصار به کار می‌رود؛ بدین معنا که گوینده منظور خویش را به معنی و مفهومی خاص و یا اشخاصی معین، محدود می‌نماید و آن را از سایر مفاهیم و یا اشخاص نفی می‌نماید، به عنوان مثال اگر گفته شود فقط خداوند معبود ماست به این معناست که الوهیت و معبود بودن تنها منحصر در خداوند است و سایر موجودات از جایگاه الوهیت خارج شده‌اند. بر این اساس و بر طبق سایر قوانین مربوط به استفاده از این کلمه در زبان عرب (که در قسمت توضیح بیشتر آمده است) آوردن انما در آغاز این آیه، مقام ولایت بر مؤمنین را در عده‌ای خاص منحصر می‌کند. به بیان دیگر، تنها سه مورد را هنگام نزول آیه به عنوان ولی مؤمنین معرفی می‌کند و این مقام را از سایرین نفی می‌نماید. پس معنای این آیه بدین گونه است که: «ولی شما تنها خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌اند، همان کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع نماز زکات می‌پردازند، می‌باشند».



توضیح بیشتر مربوط به «انما» اینکه در زبان عربی برای بیان یک مفهوم دو نوع جمله از لحاظ ساختاری وجود دارد. (فعلیه و اسمیه) هر یک از انواع مختلف جمله، دارای پایه‌ها و ارکانی اصلی می‌باشند که به وسیله آنها، معنای جمله تکمیل می‌شود و در صورتی که هر یکی از آنها حذف گردد، معنا ناقص باقی می‌ماند.

گوینده با توجه به مقصود خود از کلام، می‌تواند این ارکان را در محل‌های مختلف کلام خود ذکر کند و ترتیب قرار گرفتن آنها را تغییر دهد.

«انما» بر سر هر دو نوع جمله می‌آید و آخرین رکن جمله (و یا رکنی را که پیش از ذکر تمامی ارکان ذکر گردیده است) حصر می‌نماید. حال برای روشن‌تر شدن بحث، مثالی را ذکر می‌کنیم. فرض کنیم فردی به نام محمد ایستاده است. این واقعیت را می‌توان به دو صورت بیان نمود:

۱. فرد ایستاده محمد است.

۲. محمد ایستاده است.

در حالت اول اگر از «انما» استفاده شود و بر سر جمله بیاید، محمد را که در انتها آمده حصر می‌نماید. بدین معنا که فرد ایستاده فقط محمد است. (یعنی کس دیگری ایستاده نیست) اما در حالت دوم در صورتی که از انما استفاده گردد، ایستادن که در انتها آمده حصر می‌شود؛ یعنی محمد فقط ایستاده است. (و کار دیگری غیر از ایستادن انجام نمی‌دهد). در آیه محل بحث نیز، آخرین رکنی که از جمله ذکر شده است، معرفی افرادی است که بر مؤمنین ولایت دارند. در نتیجه بنا بر مطالبی که ذکر گردید، «انما» این اشخاص را حصر می‌نماید و آیه بیان می‌کند که ولیّ شما تنها خدا و رسول و مؤمنینی که نماز می‌گذارند و در حال رکوع زکات می‌دهند، هستند.



## ۲. «ولی»:

۱. راغب اصفهانی می‌گوید: «الولاء والتوالي أن يحصل شيئان فصاعداً حصولاً ليس بينهما ما ليس منهما و يستعار ذلك للقرب من حيث المكان ومن حيث النسبة و من حيث الدين و من حيث الصداقة والنصرة والاعتقاد والولاية: النصرة و الولاية: تولى الأمر و قيل: الولاية والولاية نحو الدلالة والدلالة و حقيقته: تولى الامر؛ دو چیز، هرگاه چسبیده و کنار هم قرار گیرند که شیء سوم، میان آن دو فاصله‌ای پدید نیاید که پیوندشان را از هم بگسلاند، «ولی» معنا و مفهوم پیدا کرده و این معنا در جای دیگر که قرب مکانی و نسبت و راستی و همکاری و عقیده داشته باشد به صورت استعاره به کار می‌رود. ولایت (به فتح واو) به معنای نصرت و ولایت (به کسر واو) به معنای سرپرستی به کار می‌رود ... حقیقت معنای ولایت همان سرپرستی است»<sup>۳</sup>.

۲. ابن اثیر می‌نویسد: «و من أسمائه عز و جل الوالي وهو مالك الأشياء جميعها المتصرف فيها وكأن الولاية تشعر بالتدبير والقدرة والفعل؛ ولایت اشاره و دلالت بر تدبیر و اعمال قدرت و انجام کاری دارد»<sup>۴</sup>.

۳. ابن منظور افریقی می‌نویسد: «و ولی المرأة الذي يلي عقد النكاح عليها ولا يدعها تستبد بعقد النكاح دونه؛ سرپرست زن کسی است که عقد نکاح به دست اوست و زن در این امر رها گذاشته نمی‌شود که دیگران با عقد نکاح در حق او استبداد نمایند»<sup>۵</sup>.

۴. صاحب مجمع البحرين می‌نویسد: والولي: الوالي، و كل من ولي أمر أحد فهو وليه و الولي هو الذي له النصرة و المعونة و الولي الذي يدير الأمر، يقال: فلان ولي المرأة إذا كان يريد نكاحها و ولي الدم: من كان إليه المطالبة بالقوقد والسلطان ولي أمر الرعية و منه قول الكميّ في حق علي بن أبي طالب . و نعم ولي الأمر بعد وليه ومنتجع التقوى و نعم المقرب؛ ولی به معنای حاکم است و هرکسی که امر فردی دیگری را به عهده دارد او ولیّ آن کس است. ولیّ کسی است که دیگری را یاری و همکاری می‌کند. ولیّ به معنای کسی است که تدبیر و اداره امور می‌کند؛ مثل اینکه گفته می‌شود: فلانی ولیّ زن است زمانی که قصد داشته باشد او را به عقد کسی در بیاورد. «ولیّ خون» به کسی می‌گویند که حق مطالبه قصاص را داشته باشد. حاکم ولیّ

۳. الراغب الإصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد (متوفاي ۵۰۲هـ)، المفردات في غريب القرآن، ج ۱، ص ۵۳۳.

۴. الجزري، ابوالسعادات المبارك بن محمد (متوفاي ۶۰۶هـ)، النهاية في غريب الحديث والأثر، ج ۵، ص ۲۲۶.

۵. الأفریقی المصري، محمد بن مكرم بن منظور (متوفاي ۷۱۱هـ)، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۷.

امر رعیت است. از این معنا است کلام کُمیت در حق علی علیه السلام که گفت: بهترین ولی هستی بعد از ولی و بهترین داروی تقوی و نزدیک کننده هستی.<sup>۶</sup>

مفسرین و صاحب نظران اسلامی درباره معنای «ولی» در این آیه فقط یکی از سه معنی «دوست»، «یاور و ناصر» و «سرپرست و صاحب اختیار» را برگزیده‌اند. ما نیز دو معنی دوست و ناصر (معنای اول و دوم) را بررسی می‌کنیم و بعد به معنای سوم می‌پردازیم، تا به معنای بهتر «ولی» در این آیه دست یابیم.

با در نظر گرفتن این دو معنی آیه این گونه معنا می‌شود: «تنها دوست یا ناصر شما، خدا و رسولش و آن کسانی هستند که ایمان آوردند. کسانی که در حال رکوع نماز زکات می‌دهند». گفتیم «انما» برای حصر نمودن به کار می‌رود. پس با توجه به «انما» و معنای دوست یا ناصر نتیجه می‌گیریم که فقط دوست و یاور ما، خدا و رسولش و آن‌هایی که در حال رکوع نماز زکات می‌دهند، می‌باشند. با توجه به این معنی ما دیگر نباید هیچ دوست و یآوری داشته باشیم و نمی‌توانیم کس دیگری را (که مثلاً زکات در حال رکوع نداده است) دوست یا ناصر خطاب کنیم.

این دو معنی با آیات دیگر قرآن در تناقض می‌باشند (لازم به توضیح نیست که در قرآن، چون کلام خداست و در آن اشتباه جای ندارد، تناقض یافت نمی‌شود). همانند: «و إن استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر؛ اگر در دین از شما یاری خواستند پس بر شما است یاری کردن».<sup>۷</sup>

این آیه معلوم می‌نماید یاری رساندن و نصرت دادن به دیگران فقط مختص افرادی خاص نیست و می‌گوید هر آن کس، از شما در دینش یاری خواست به او یاری نمایید. «تعاونوا علی البر و التقوی؛ کمک کنید همدیگر را بر نیکوکاری و پرهیزکاری».<sup>۸</sup> در این آیه هم کمک کردن به یکدیگر بر اساس نیکی و تقوا خواسته شده است و اختصاص به افراد خاص ندارد.

«انما المؤمنون إخوة؛ جز این نیست که مؤمنان برادرند».<sup>۹</sup>

۶. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۵۵.

۷. انفال: ۷۲.

۸. مائده: ۲.

۹. حجرات: ۱۰.



خداوند متعال در این آیه مؤمنین را با یکدیگر برادر خوانده است، حال آنکه مشخص است رابطه برادری اسلامی، بالاتر از رابطه دوستی است. (یا بالاتر از به هم یاری رساندن می‌باشد) پس چگونه ممکن است که ما بتوانیم فقط از زکات‌دهندگان در حال رکوع دوست انتخاب کرده و از آن‌ها یاری بخواهیم در حالی که قرآن همه مؤمنان را برادران یکدیگر معرفی می‌کند! پس معلوم می‌شود معنای «ولی» در آیه مورد بحث، نمی‌تواند دوست یا ناصر باشد. چون معنای دوست و ناصر معنای کلی است و در افرادی خاص منحصر نمی‌شود.

### ۳. ولی به معنای سرپرست

حال اگر ما «ولی» را به معنای سرپرست و صاحب‌اختیار معنی کنیم، با سایر آیات قرآن در تناقض نیست. چون امر سرپرستی نمی‌تواند مختص همه باشد و این‌گونه نیست که هر کس بتواند بر ما امر و فرمان کند و سرپرست ما شود، مگر فرد یا افرادی خاص که از جانب خدا باشد و این آیه می‌گوید که امر ولایت به معنای سرپرستی بعد از خدا و رسولش به عهده فرد یا افرادی است که در حال رکوع نماز زکات می‌دهند.

در اینجا باید ببینیم که زکات‌دهندگان در حال رکوع نماز چه کسی یا کسانی در هنگام نزول آیه می‌باشند که امر مهم سرپرستی بعد از خدا و رسولش در اختیار آنان است. که بهترین شاهد و گواه برای این موضوع، مراجعه به شأن نزول این آیه است.

### «ولی» در کاربردهای قرآن

اکنون به قرآن باز می‌گردیم و موارد کاربرد این کلمه را در این کتاب عزیز بررسی می‌نماییم.

کلمه «ولی» و «اولیاء» نزدیک به هفتاد بار در قرآن مجید استعمال شده و در معانی مختلفی به کار رفته است:

۱. در بعضی از آیات به معنای «یار» و «یاور» و «ناصر» استعمال شده است. مثل آیه شریفه ۱۰۷ سوره بقره که خداوند می‌فرماید: «و مالکم من دون الله من ولی ولا نصیر؛ و جز خدا، ولی و یاوری برای شما نیست. ولی در این آیه به معنای ناصر و یاور آمده است.»

۲. «ولی» در برخی از آیات به معنای «معبود» است، آیه ۲۵۷ سوره بقره از جمله این آیات است: «الله ولی الذین آمنوا ... والذین کفروا اولیائهم الطاغوت؛ خداوند معبود کسانی است که ایمان آورده‌اند... اما کسانی که کافر شدند، معبود آن‌ها طاغوت‌ها هستند.» ولی در این آیه به



معنای معبود است. معبود مؤمنین خدا و معبود کفار طاغوت‌ها، شیاطین و هوای نفس آنهاست.

۳. این کلمه در قرآن مجید به معنای «هادی» و «راهنما» نیز آمده است. در آیه ۱۷ سوره کهف می‌خوانیم: «و من یضل فلن تجد له ولیاً مرشداً؛ و هر کس را (خدا) گمراه نماید، هرگز ولی و راهنمایی برای او نخواهی یافت. در این آیه شریفه، همان‌طور که مشاهده می‌کنید، کلمه «ولی» به معنای هادی و راهنما آمده است.

۴. در بسیاری از آیاتی که مشتمل بر این کلمه است، «ولی» به معنای سرپرست و صاحب اختیار است. به نمونه‌هایی از این آیات توجه کنید:

الف) در آیه شریفه ۲۸ سوره شوری می‌خوانیم: و هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا و ینشر رحمته و هو الولی الحمید؛ او کسی است که باران سودمند را پس از آن‌که مایوس شدند نازل می‌کند و رحمت خویش را می‌گستراند، و او ولی (و سرپرست) و ستوده است. «ولی» در این آیه به معنای سرپرست و صاحب اختیار است. البته ولایت در این آیه شریفه ولایت تکوینی است.

ب) در آیه شریفه ۳۳ سوره اسراء که مورد ولایت تشریحی بحث می‌کند، آمده است «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً؛ و آن کس که مظلوم کشته شده، برای «ولی» و سرپرست او سلطه و حق قصاص قرار دادیم. «ولی» در این آیه به معنای سرپرست و صاحب اختیار به کار رفته است، زیرا حق قصاص برای دوست مقتول ثابت نیست بلکه برای وارث و ولی او ثابت است.

ج) در طولانی‌ترین آیه قرآن مجید، آیه ۲۸۲ سوره بقره که در مورد نوشتن سند به هنگام پرداخت قرض‌الحسنه است، می‌خوانیم: «فلیمل ولیه بالعدل؛ اگر کسی که حق بر ذمه اوست توانایی بر املاء کردن ندارد باید ولی و سرپرست او (به جای او) با رعایت عدالت املا کند. در این آیه شریفه نیز «ولی» به معنای سرپرست و صاحب اختیار آمده است.

د) در آیه شریفه ۳۴ سوره انفال می‌خوانیم: «وهم یصدون عن المسجد الحرام و ما كانوا اولیائه ان اولیاه الا المتقون...؛ و حال آنکه از (عبادت موحدان در کنار) مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند در حالی که سرپرست و ولی آن نیستند؟ سرپرست آن فقط پرهیزگارانند. «ولی» در این آیه به معنای سرپرست است و آلا روشن است که کفار و مشترکین هیچ‌گونه دوستی با چنین مکان مقدسی ندارند.



هـ) در آیه پنجم سوره مریم می‌خوانیم: «فهب لی من لدنک ولیاً یرثنی و یرث من آل یعقوب؛ (خدایا) تو از نزد خود جانشینی به من ببخش (و فرزندی به من عنایت کن) که وارث من و دودمان یعقوب باشد». روشن است که ورثه پس از مرگ «ولی» و سرپرست، وارث اموال او هستند، نه اینکه تنها دوست و یار و یاور او باشند.<sup>۱۰</sup>

### معنای «ولایت» در آیه شریفه:

«ولی» که بر وزن فلس و ضرب و نصر است در لغت به معنای نزدیک بودن است به نحوی که میان آن و چیزی که به آن نزدیک است، هیچ حائل و فاصله وجود نداشته باشد. اگر چیزی به چیز دیگر این اندازه نزدیک باشد، آن را «ولی» گویند. در هر دو چیزی که به نحوی از آنجا این چنین به هم نزدیک باشند واژه «ولی» و مشتقاتش به طور استعاره درباره آن استعمال می‌گردد. وقتی دو چیز از نظر مکان یا محبت و دوستی یا اخلاق و اعتقاد یا تسلط و مدیریت و امثال آن به هم نزدیک باشند، اطلاق واژه «ولی» و تمام مشتقاتش بر آن صحیح است. مثلاً درباره انسانی که پس از نزدیک شدن به انسان دیگر از او دور شده باشد، گویند «تباعده بعد ولی؛ بعد از آنکه نزدیک بود، دور گردید. انسانی که سرپرستی یتیمی ای صغیری را به عهده بگیرد، ولی او خوانده می‌شود. برای «معتق» به صیغه فاعل و به «عتیق» بر وزن فعیل، «ولی» می‌گویند.

به کسی که اداره شهری را به عهده گرفته است، والی می‌گویند.<sup>۱۱</sup> چنانکه ملاحظه شد در تمام این موارد معنای اصلی که عبارت باشد از نزدیک شدن یک چیز به چیز دیگر لحاظ شده است.

مناسب‌ترین و بلکه صحیح‌ترین معنایی که از کلمه «ولی» در آیه مورد بحث اراده شده است، ولای زعامت و سرپرستی است، یعنی اوست که حق دارد رهبری اجتماعی و سیاسی مردم را به عهده گرفته، در تمام شئون و مقدرات آن‌ها دخالت نماید. اراده معانی دیگر چون یار و یاور و دوست و امثال آن نه تنها مناسب نیست که غیر صحیح هم خواهد بود، چون وزان آیه مورد بحث همان وزانی هست که در آیه شریفه «النبي اولى بالمؤمنين من انفسهم»<sup>۱۲</sup> آمده است زیرا اولاً آیه کریمه با کلمه حصر «أتما» شروع شده و ولایت را به خدا و رسول

۱۰. آیات ولایت در قرآن، مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، چاپ دوم ۱۳۸۶، قم.

۱۱. المصباح المنیر و دیگر معاجم لغت ذیل ماده «ولی»؛ راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد، مفردات انتشارات مرتضوی قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۴۵.

۱۲. احزاب: ۶.



خدا ﷺ و حضرت امیر علیه السلام منحصر کرده است. از این حصر فهمیده می‌شود که مراد از ولایت، نصرت یا محبت یا دوستی و امثال این‌ها نیست، زیرا ولایت به این معانی برای غیر آن سه نیز صحیح است.

ثانیاً به شهادت مدارک و روایات معتبر، ائمه اطهار علیهم السلام که طبق حدیث ثقلین عدل قرآن هستند با این آیه بر امامت و حقانیت خود استدلال کرده‌اند. اگر «ولی» در آیه کریمه به معنای دوست یا ناصر باشد، استدلال آن‌ها با آیه ولایت درست نخواهد بود و این بهترین گواه است بر اینکه مراد از «ولی»، زعیم علی‌الاطلاق و اولی‌التصرف است.

### ۳. «رکوع»:

به این دلیل که پیش از آوردن لفظ رکوع صحبت از به جای آوردن نماز توسط مؤمنین است (یقیمون الصلوة)، رکوع در این آیه به همان معنی عمل خاص در نماز است که پس از قرائت حمد و سوره است و عبارت است از خم شدن و انحناى سر. رکوع دارای سه معنی لغوی و اصطلاحی و مجازی است. معنای لغوی آن انحناى سر و خم شدن است که اگر این حالت با قصد قربت و در نماز باشد به عنوان فعلی در نماز به حساب می‌آید و این همان معنای اصطلاحی است. به عبارت دیگر معنای اصطلاحی رکوع از همان معنی انحناى سر و خم شدن گرفته شده است، با این تفاوت که یک عمل اصلی در نماز است و به همین خاطر باید با قصد قربت انجام شود (قصد قربت یعنی همه توجه به سمت پروردگار باشد و عمل فقط برای رضایت او انجام شود، نه به منظور دیگر). معنای مجازی آن ذلت و خضوع در مقابل یک فرد است.

همیشه در هنگام مطالعه یک متن ابتدا معنای لغوی کلمات به ذهن می‌رسد و اگر دلیل و قرینه‌ای وجود داشته باشد، معنای اصطلاحی یا مجازی آن کلمه در نظر گرفته می‌شود. قرآن هم این‌گونه است که باید اول معنای لغوی بررسی شود و در صورت وجود قرینه و دلیل به معنای اصطلاحی یا مجازی آن روی آوریم. رکوع نیز مستثنی از این قاعده نیست و هر جا در قرآن با این کلمه مواجه شدیم، باید ابتدا معنای لغوی آن در نظر گرفته شود. مثلاً در صورتی که در آن صحبت از نماز و نمازگزاران بود به قرینه نماز، ناگزیر به معنای اصطلاحی برمی‌گردد و در صورت وجود قرائن دیگر به معنای مجازی آن روی می‌آوریم. در این آیه هم به علت اینکه در ابتدای آیه صحبت از برپاداشتن نماز است (یقیمون الصلوة) رکوع را باید در معنای اصطلاحی آن (یعنی یکی از اعمال خاص نماز) به کار برد.



## شان نزول آیه

از ابن عباس روایت کرده‌اند که وقتی وی بر کنار زمزم نشسته بود و برای مردم از پیامبر ﷺ حدیث نقل می‌کرد. در این وقت مردی که صورت خود را پوشیده بود وارد شد. ابن عباس رشته سخن را قطع کرد و گفت: ترا به خدا سوگند می‌دهم که خود را آشکار کنی او که ابوذر غفاری بود، صورت خود را آشکار کرد و گفت: ای مردم، هر که مرا می‌شناسد، بشناسد و هر که مرا نمی‌شناسد من ابوذر غفاری هستم. با این دو گوش خودم از پیامبر خدا ﷺ سخنی شنیدم که اگر نشنیده باشم گر شوم و با این دو چشم خود پیامبر ﷺ را دیدم که اگر ندیده باشم کور گردم. می‌فرمود: علی رضی الله عنه رهبر انسان‌ها و قاتل کافران است.

هر که علی رضی الله عنه را یاری کند، یاری می‌شود و هر که علی رضی الله عنه را ترک کند، خوار می‌گردد. آگاه باشید روزی با پیامبر ﷺ مشغول خواندن نماز ظهر بودم. سائلی در مسجد سؤال کرد و کسی چیزی به او نداد. وی دستش را به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا گواه باش. در مسجد پیامبر ﷺ سؤال کردم و احدی مرا دستگیری نکرد». در این وقت علی رضی الله عنه که مشغول رکوع بود با انگشت دست راستش که در آن انگشتری بود به سائل اشاره کرد و او انگشتری را از انگشت علی رضی الله عنه بیرون آورد. این‌ها در برابر چشم پیامبر گرامی ﷺ انجام گرفت. همین که از نماز فارغ شد، سر به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا برادرم موسی به درگاهت سؤال کرد: پروردگارا، سینه‌ام را بگشای، کارم را آسان و زبانم را باز کن تا سخنم را بفهمند، برادرم هارون را که از خویشان من است، وزیر من گردان. پشتم را به او قوی کن و او را در کارها شریکم گردان. (آیاتی از سوره طه ۲۵ تا ۳۲) توبه او وحی کردی که: به‌زودی بازویت را به برادرت محکم می‌کنیم و برای شما قدرتی قرار می‌دهیم که آن‌ها به شما دسترسی پیدا نکنند. (قصص ۳۵)

پروردگارا منم محمد صلی الله علیه و آله پیامبر و برگزیده تو. خدایا، سینه‌ام را بگشای و کارم را آسان و علی رضی الله عنه را وزیر من گردان و پشت مرا به او محکم کن.

ابوذر گفت: به خدا سوگند هنوز سخن پیامبر ﷺ تمام نشده بود که جبرئیل از جانب خدا نازل شد و گفت: ای محمد بخوان.

– چه بخوانم.

- انما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة ... عين ابن خبر را ابواسحاق ثعلبی در تفسیر خود نقل کرده است.<sup>۱۳</sup>

ابوبکر رازی در کتاب «احکام القرآن» بنا بر نقل مغربی و رمانی و طبری روایت کرده است که این آیه هنگامی نازل شد که علی علیه السلام در حال رکوع انگشتی خود را صدقه داد. مجاهد و سدی نیز همین طور گفته‌اند: از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و همه علمای اهل بیت علیهم السلام نیز چنین روایت شده است: «این آیه درباره عبدا... بن سلام کلی و اصحابش نازل شده است در آن وقتی که آنها اسلام آوردند و یهود روابط دوستی خود را با آنها قطع کردند».

در روایت عطاست که عبدالله بن سلام، عرض کرد: «یا رسول الله، علی را دیدم که در حال رکوع، انگشتی خود را صدقه داد، از این رو دوستش داریم.» سید ابوالحمده - به اسناد متصل مرفوع - از ابن عباس روایت کرده است که: عبدا... بن سلام و با جمعی از مردم خویش خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: یا رسول الله، خانه‌های ما دور است و ما مجلس و جای گفتگویی، جز اینجا نداریم. قوم ما بعد از آنکه ایمان آوردیم ما را ترک کردند و بر خود حتم کرده‌اند که با ما ننشینند و زناشویی نکنند و سخن نگویند. این‌ها بر ما دشوار است.

فرمود: انما وليكم الله ورسوله و... پس از این مراسم، پیامبر صلی الله علیه و آله به مسجد رفت، مردم در حال قیام و رکوع بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله سائلی را دید. فرمود: آیا کسی به تو چیزی داد؟ عرض کرد: آری انگشتی از نقره.

پرسید: کی داد؟

در حالی که با دستش به علی علیه السلام اشاره می‌کرد گفت: این که ایستاده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: در چه حالی انگشت را به تو بخشید؟

پاسخ داد: در حال رکوع.

در این وقت، پیامبر تکبیر گفت و این آیه را قرائت کرد: و من يتول الله ...<sup>۱۴</sup>



زندگیا و قرآن

ولایت حضرت علی علیه السلام در آیه ولایت

۱۳. تفسیر مجمع البیان، طبرسی، مترجم احمد بهشتی، موسسه انتشارات فراهانی.

در این وقت حسان بن ثابت شاعر زبردست اسلامی، شعری سرود که مضمون این شعر به این صورت است.

– ای ابوالحسن، جان من و جان هر کس که به کندی یا شتاب، در راه هدایت است فدای تو باد.

– آیا این مدح دل‌نشین من درباره تو تباه می‌شود؟ نه هرگز! مدحی که در کنار مدح خداست، تباه شدنی نیست.

– تویی که در حال رکوع انگشتی خود را بخشیدی. جان به قربانت ای بهترین رکوع‌کنندگان.

– خداوند بهترین آیات ولایت را درباره تو نازل و کتاب آسمانی خدا آن را ثبت کرد.

در حدیث ابراهیم بن حکم بن ظهیر است که:

عبدالله بن سلام و قومش نزد پیامبر به شکایت آمده بودند و از دست یهودیان شکایت می‌کردند که این آیه نازل شد، بلال آن مؤذن پاک‌دل پیامبر، صدا را به اذان بلند کرد، پیامبر خدا به مسجد آمد به یک مسکین برخورد کرد که از مردم سؤال می‌کرد.

پرسید: چه به تو دادند؟

گفت: انگشتی نقره

پرسید: که داد؟

گفت: آنکه ایستاده است. – او علی بود-

فرمود: در چه حالی داد؟

پاسخ داد: در حال رکوع.

پیامبر خدا تکبیر گفت و آیه «و من یتول الله...» را تلاوت کرد.<sup>۱۵</sup>

در کتاب تفسیر برهان و کتاب غایه المرام از صدوق (علیه رحمه)

روایت می‌کند که او در ذیل آیه «انما ولیکم الله و...» از ابی‌الجارود از حضرت ابی‌جعفر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: طایفه‌ای از یهود مسلمان شدند از آن جمله عبدالله بن سلام، اسد ثعلبه، ابن بامین و ابن صوری بودند که همگی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردند: یا نبی‌ا... حضرت موسی وصیت کرد به یوشع بن نون و او را جانشین خود قرار داد وصی شما کیست

۱۵. تفسیر المیزان ج ۶، ذیل آیه

یا رسول الله؟ و بعد از تو ولی و سرپرست ما کیست؟ در پاسخ این سؤال این آیه نازل شد: «انما ولیکم الله و رسوله و ...» آنگاه رسول خدا ﷺ فرمود برخیزید، همه برخاسته و به مسجد آمدند، مردی فقیر و سائل داشت از مسجد به طرف آن جناب می آمد، حضرت فرمود: ای مرد آیا کسی به تو چیزی داده؟ عرض کرد: آری این انگشتر را یک نفر همین اکنون به من داد، حضرت پرسید چه کسی؟ عرض کرد: آن مردی که مشغول نماز است، پرسید در چه حالی به تو داد؟ عرض کرد در حال رکوع، حضرت تکبیر گفت: اهل مسجد همه تکبیر گفتند، حضرت رو به آن مرد کرد و فرمود: پس از من علی ﷺ ولی شماست، آنان نیز گفتند ما به خداوندی خدای تعالی و به نبوت محمد ﷺ و ولایت علی ﷺ راضی و خشنودیم، آنگاه این آیه نازل شد «و من یتول الله ورسوله والذین آمنوا فان حزب الله و هم الغالبون».

مرحوم کلینی راجع به آیه «انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا ...» که مفسرین و متکلمین شیعه بر امامت امیرالمؤمنین ﷺ استدلال کرده اند و آن موضوع حاتم بخشی آن حضرت در حال رکوع است که این آیه در شأن حضرت نازل گشته است. چنانچه این مطلب را مفسرینی از عامه و اهل سنت هم اعتراف دارند. فخر رازی و زمخسری و بیضاوی و سیوطی که از بزرگان علماء سنت هستند در تفاسیر خود نزول آیه شریفه را در شأن امیرالمؤمنین ﷺ و موضوع حاتم بخشی آن حضرت دانسته اند و خلاصه اخبار در این باره متواتر است، فقط بعضی از مفسرین اهل سنت را شدت تعصب واداشته است که بگویند: جمله «وهم راکعون» در آخر آیه حالیه نیست و استیناف است؛ ولی بنابراین نظر لازم می آید که رکوع تکرار شده باشد زیرا از «یقیمون الصلوه» رکوع فهمیده می شود و یا بگوید «رکوع» در اینجا حقیقت شرعیه ندارد و به معنی خضوع است که آن را هم طبع سلیم و ذوق صحیح نمی پذیرد. یا آنکه در کلمه «ولی» تصرفی کنند و آن را از ظهورش که نسخ ولایت خدا و رسول است برگردانند.<sup>۱۶</sup>

### مدارک نزول آیه ولایت در شأن علی بن ابی طالب ﷺ

برخی از مهمترین آثاری که در آن روایات مربوط به نزول آیه ولایت در شان حضرت علی ﷺ آمده به شرح ذیل است:

الف) علامه امینی بعد از آنکه داستان را از تفسیر ابواسحاق ثعلبی نقل می کند، عدّه کثیری را از پیشوایان تفسیر و حدیث اهل سنت و جماعت یاد می کند که شأن نزول آیه کریمه را

۱۶. اصول کافی- ثقه الاسلام کلینی، مترجم سید جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت(ع)، تهران، ج ۱، صص ۲۶۴-۲۶۵.



آنچنان که ذکر شد در آثار خود نقل کرده‌اند، که به‌عنوان نمونه در زیر چند نفر از آن‌ها را نام

می‌بریم:

۱. طبری در تفسیر خود، ج ۶، ص ۱۶۵، از طریق ابن عباس.
  ۲. واحدی در اسباب النزول، ص ۱۴۸، از دو طریق عبدالله بن سلام و ابن عباس.
  ۳. رازی در تفسیر خود، ج ۳، ص ۴۳۱، از همان دو طریق.
  ۴. خازن در تفسیر خود، ج ۱، ص ۴۹۶.
  ۵. ابوالبرکات در تفسیر خود، ج ۱، ص ۴۹۶.
  ۶. نیشابوری در تفسیر خود، ج ۳، ص ۴۶۱.
  ۷. محب الدین طبری در ریاض، ج ۲، ص ۲۲۷، از عبدالله بن سلام.
  ۸. ابن کثیر شامی، در تفسیر خود، ج ۲، ص ۷۱، از طریق امیرالمؤمنین (ع).
- ب) مرحوم سیدعبدالحسین شرف‌الدین موسوی در «المراجعات» اخبار صحیح وارده در این زمینه را در حد تواتر دانسته و افزوده است مفسرین اجماع کرده‌اند که آیه کریمه در حق علی علیه السلام نازل شده است و بعضی از اعلام اهل سنت چون قوشجی در مبحث امامت «شرح تجرید» و غیر او این اجماع را نقل کرده‌اند.
- ج) بحرانی در غایه المرام ۱۹۰ حدیث از کتب خاصه نقل کرده است که آیه کریمه در شأن حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام نازل گردیده است.<sup>۱۷</sup>
- د) مرحوم سلطان الواعظین شیرازی در کتاب خود بعد از ذکر ۴۰ منبع در مورد شأن نزول این آیه در ولایت حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: و بالاخره اکثر رجال علم و دانش تصدیق نموده‌اند نقلاً از اسدی و مجاهد و حسن بصری و اعمش و عتبه بن ابن حکیم و غالب بن عبدالله و قیس بن ربیع و عبایه بن ربیع و عبدالله بن عباس و ابوذر غفاری و جابر بن عبدالله انصاری و ... که این آیه شریفه در شأن علی بن ابی‌طالب علیه السلام نازل گردیده و هر یک به عبارات و الفاظ مختلفه ذکر نموده‌اند زمانی که آن حضرت در حال رکوع نماز انگشتر خود را در راه خدا انفاق و به سائل داد این آیه شریفه نازل گردد.

۱۷. الغدیر- عبدالحسین امینی، بیروت ۱۳۹۷ ق، ج ۲ و ص ۵۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قریشی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۷ و ص ۲۵.

## ایرادات و اشکالات بر آیه

۱. فخر رازی و بعضی دیگر از متعصبان ایراد کرده‌اند که علی علیه السلام با آن توجه خاصی که در حال نماز داشت و غرق در مناجات پروردگار بود. چگونه ممکن است صدای سائلی شنیده و به او توجه پیدا کند؟ (تا آنجا که معروف است پیکان تیر از پایش بیرون آوردند و توجه پیدا نکرد)

آن‌ها که این ایراد را می‌کنند از این نکته غفلت دارند که شنیدن صدای سائل و به کمک او پرداختن توجه به خویشتن نیست، بلکه عین توجه به خدا است، علی علیه السلام در حال نماز از خود بیگانه بود نه از خدا و می‌دانیم بیگانگی از خلق خدا بیگانگی از خداست و به تعبیر روشن‌تر، پرداختن زکات در نماز انجام عبادت در ضمن عبادت است. نه انجام یک عمل مباح در ضمن عبادت و باز به تعبیر دیگر آنچه با روح عبادت سازگار نیست، توجه به مسائل مربوط به زندگی مادی و شخصی است و اما توجه به آنچه که در مسیر رضای خدا است، کاملاً با روح عبادت سازگار است و آن را تأکید می‌کند. جالب اینکه فخر رازی کار تعصب را به جایی رساند که اشاره علی علیه السلام را به سائل برای اینکه بیاید و خودش انگشتر را از انگشت حضرت بیرون کند، مصداق فعل کثیر که منافات با نماز دارد، دانسته است در حالی که در نماز کارهایی جایز است انسان انجام بدهد که به مراتب از این اشاره بیشتر است و در عین حال ضرری برای نماز ندارد تا آنجا که کشتن حشرات مانند عقرب و مار و یا برداشتن گذاشتن کودک و حتی شیردادن بچه شیرخوار را جزو فعل کثیر ندانسته‌اند، چگونه یک اشاره جزو فعل کثیر شد ولی هنگامی که دانشمندی گرفتار طوفان تعصب می‌شود این‌گونه اشتباهات برای او جای تعجب نیست.

و دیگر اینکه خود آیه این کار را خوب دانسته و ستوده و یک علامت دانسته.<sup>۱۸</sup>

۲. اگر کلمه «ولی» را بخواهیم به معنای سرپرست در نظر بگیریم با آیات قبل و بعد سازگار نیست، زیرا در آن‌ها ولایت به معنی «دوستی» آمده است.

آیات قرآن چون تدریجاً و در وقایع مختلف نازل گردیده همیشه پیوند با حوادثی دارد که در زمینه آن نازل شده است و چنین نیست که آیات یک سوره یا آیاتی که پشت سر هم قرار دارند همواره پیوند نزدیک از نظر مفهوم و مفاد داشته باشد، لذا بسیار می‌شود که دو آیه پشت

۱۸. مدارك: كشف الغمه ج ۱ و ص ۴۲۷، مجمع البیان ج ۲ و ص ۲۱۰، احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۴۷، امالی شیخ طوسی ج ۱ ص ۵۷.



سر هم نازل شده اما در دو حادثه مختلف بوده و مسیر آن‌ها به خاطر پیوند با آن حوادث از یکدیگر جدا می‌شود.

با توجه به این که آیه «انما ولیکم الله و...» به گواهی‌شان نزولش در زمینه زکات دادن علی علیه السلام در حال رکوع نازل شده و آیات گذشته و آینده، همان طور که خواندیم و خواهیم خواند در حوادث دیگری نازل شده است و نمی‌توانیم روی پیوند آن‌ها زیاد تکیه کنیم. به علاوه آیه مورد بحث اتفاقاً تناسب با آیات گذشته و آینده نیز دارد زیرا در آن‌ها سخن از ولایت به معنی یاری و نصرت و در آیه مورد بحث سخن از ولایت به معنی رهبری و تصرف است و شکی نیست که شخص «ولی» و سرپرست و متصرف، یار و یاور پیروان خویش نیز خواهد بود. به عبارت دیگر یار و یاور بودن یکی از شئون ولایت مطلقه است.

۳. چرا علی علیه السلام با این دلیل روشن شخصاً استدلال نکرد؟

اگر نظری به روایاتی در پیرامون این بحث بررسی کنیم می‌بینیم که در کتب متعددی اعم از اهل سنت و شیعه وارد شده که این حدیث از خود علی علیه السلام نیز نقل شده است از جمله در مسند «ابن مردودیه» و «ابی‌الشیخ» و «کنز العمال» و این در حقیقت استدلال حضرت است به این آیه شریفه. و در کتاب «غایه المرام» از ابوذر چنین نقل شده که علی علیه السلام روز شورا نیز به همین آیه استدلال کرد.<sup>۱۹</sup>

۴. زکات دادن در حال رکوع مگر چه خصوصیتی و ویژگی دارد.

این آیه را خداوند برای فضیلت نزول نکرده بلکه برای رفع توهم و علامت برای کار خلافت و امامت بود.

۵. با انحصار آیه در «انما» فقط در مورد علی علیه السلام صدق می‌کند که در رکوع زکات داده نه در بقیه امامان، پس امامت بقیه امامان ثابت نمی‌شود. در کتب شیعه و سنی نقل شده که همه امامان در حال رکوع زکات داده‌اند.<sup>۲۰</sup>

۶. در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دیگر نیازی به «ولی» نداشته که «ولی» را بخواهیم از این آیه برداشت کنیم؟

۱۹. مدرک کتب اهل سنت و زائد طنطین، ج ۱، ۳۱۲، مدرک شیعه: منهاج البراعه، ج ۲، ص ۳۶۳.

۲۰. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۳؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۴ و ۲۷۹؛ کتب اهل سنت: زائد سمطین، ج ۱، ص ۳۱۲، حدیث ۲۵۰.



اولاً این کار درست نیز وجود داشته و خود پیامبر ﷺ در زمان حیات خود «ولی» و سرپرست برای مردم تعیین کرد که می‌توان به نمونه‌هایی مثال زد: اینکه حدیث منزلت، که پیامبر ﷺ مکرر فرمودند: علی منی به منزله هارون من موسی. ثانیاً ظاهر آیه اثبات می‌نماید دوام این مقام و منصب را برای آن حضرت به دلالت جمله اسمیه و ثالثاً «ولی» صفت مشبیه است.

۷. اگر شیعه بخواهد که علی «ولی» باشد ما هم قبول داریم ولی بعد از سه خلیفه یعنی علی علیه السلام خلیفه چهارم باشد، زیرا که همه مردم با آن سه نفر بیعت کردند و همچنین این سه نفر از اجماع به خلافت رسیدند.

طبق آیه قرآنی «و ما کان لمومن و لامومنه اذا قضی الله و رسوله» که می‌فرماید هیچ مرد و زن مؤمن را در کاری که خدا و رسول حکم کند اراده و اختیاری نیست» پس اجماع دلالت ندارد و باطل است و دیگر اینکه خیلی از افراد با آن‌ها بیعت نکردند.

۸. در آیه لفظ جمع «الذین» آمده چطور می‌تواند بر مفرد دلالت کند؟ عرب در بسیاری از الفاظ خود لفظ جمع را برای مفرد می‌آورد و در خود قرآن نیز نمونه‌هایی وجود دارد که می‌تواند به نمونه‌ای از آن‌ها به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سوره آل عمران آیه ۱۷۲ که در داستان جنگ احد می‌خوانیم: الذین قال لهم الناس ... که شأن نزول این آیه را بعضی از مفسرین درباره نعیم بن مسعود که یک نفر بود نسبت داده‌اند.

۲. سوره نساء آیه مباحله که در آن لفظ نساء که جمع بوده اما فقط بر حضرت زهرا(س) دلالت می‌کند.

۳. سوره مائده، آیه ۵۲: «... یقولون نخشی ان تصیننا دایره ...» که در مورد «عبدالله ابی» وارد شده است.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۸۱: «... قول الذین قالوا ...» که الذین در واقع فنحاص دانشمند بزرگ یهودی است در شأن نزول چنین آمده که ابن عباس می‌گوید: پیامبر ﷺ نامه‌ای به یهود بنی قیقاع نوشت و در طی آن یهود را به انجام نماز و پرداخت زکات دعوت نمود.



فرستاده پیامبر ﷺ نامه را به دست فنحاص داد و وی با لحن استهزاء آمیزی گفت: اگر سخن شما درست باشد پس خدا فقیر است و ... در این موقع بود که این آیات بر پیامبر نازل شد.<sup>۲۱</sup>

### نتیجه

از آنچه تا کنون ذکر گردید، روشن می‌گردد که:

۱. قرآن کریم مسئله ولایت و سرپرستی بر مؤمنین را به طور دقیق و در آیات مختلف تبیین نموده است.
۲. معنای ولایت که در این آیه از آن سخن به میان آمده است، همان سرپرستی و صاحب‌اختیار بودن است.
۳. ولایت در دیدگاه قرآن کریم تنها برای عده‌ای خاص اثبات گردیده و از دیگران نفی شده است.
۴. از منظر قرآن، مقام ولایت بر مؤمنین در اصل مختص به خداوند است و ولایت سایر افراد هنگامی پذیرفته است که خداوند آن را در اختیار آنان قرار داده باشد.
۵. مؤمنین باید در تمامی امور به ولیّ خویش مراجعه نمایند و از او پیروی نمایند و او را الگوی خویش قرار دهند.



۲۱. برای بررسی می‌توان به آیات زیر مراجعه کرد: مائده: ۴۱؛ بقره: ۱۱۸؛ منافقون: ۸؛ نور: ۳۳.

## منابع و مأخذ:

۱. قرآن
۱. تفسیر مجمع‌البیان، طبرسی، مترجم: احمد، بهشتی. موسسه انتشارات فراهانی.
۲. اصول کافی، ثقة‌الاسلام کلینی، مترجم: سید جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، تهران.
۳. الغدير، عبدالحسين اميني، بيروت، ۱۳۹۷ ق.
۴. قاموس قرآن، سيد علي أكبر قريشي، دارالكتب الاسلاميه.
۵. آيات ولايت در قرآن، مكارم شيرازي، انتشارات نسل جوان، چاپ دوم ۱۳۸۶، قم.
۶. المفردات في غريب القرآن، الراغب الإصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد، تحقيق : محمد سيد كيلاني، ناشر: دار المعرفة - لبنان
۷. النهاية في غريب الحديث والأثر، الجزري، ابوالسعادات المبارك بن محمد، تحقيق طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد الطناحي، ناشر: المكتبة العلمية - بيروت - ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م.
۸. لسان العرب، الأفيقي المصري، محمد بن مكرم بن منظور (متوفاي ۷۱۱ هـ)، ناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى
۹. موسوی همدانی سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ ش.



